

## مدالیون‌های ماندگار: مطالعه تطبیقی ساختار بصری طراحی پارچه‌ها با نقوش جانوری در دوره ساسانی و ایلخانی

### چکیده

مطالعه تطبیقی طراحی پارچه در دوره ساسانی و ایلخانی، رهیافتی نوین بر شناخت ویژگی‌های فنی و بصری آن خواهد بود. هدف پژوهش پیش رو، شناخت ویژگی‌های طراحی پارچه با نقوش جانوری در دوره ساسانی و تداوم احتمالی آن‌ها در دوره ایلخانی است تا بتوان این دوگونه را از یکدیگر متمایز کرد. بدین منظور، نوزده منسوج، بررسی شد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی-تطبیقی، انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، نقوش جانوری پارچه‌های ساسانی شامل پرندگان، حیوانات چهارپا، موجودات ترکیبی و اسطوره‌ای است که تداوم فرمی آن‌ها را در منسوجات دوره ایلخانی می‌توان دید. با وجود بازتاب باورهای ایران باستان در نقوش دوره ساسانی، در دوره ایلخانی بیشتر از فرم بهره گرفته شده و بازتاب کتیبه‌نگاری و پرکاری نقوش زمینه، همراهی منسوجات را با متن جامعه نشان می‌دهد. همچنین پیشرفت فنی واحدهای طراحی، نوع فرمی مدالیون‌ها، واقع‌گرایی در بازنمایی نقوش جانوری و کاهش تنوع رنگی از ویژگی‌های پارچه‌های ایلخانی است. نتایج دیگر پژوهش، کاربرد طرح‌های شبکه‌ای متنوع در طراحی پارچه‌های دو دوره است، با این تفاوت که تدابیر فنی در دوره ایلخانی پیچیده‌تر شده و نسبت به دوره ساسانی راپورت‌ها با تنوع بالاتر فرمی، بازنمایی پویاتر نقوش، جزئیات بیشتر در ترسیم جانوران مشاهده می‌شوند.

### اهداف پژوهش:

۱. شناخت ساختار بصری نقوش جانوری منسوجات دوره ساسانی و ایلخانی.
۲. دستیابی به چگونگی تداوم نقوش جانوری منسوجات دوره ساسانی و ایلخانی.

### سؤالات پژوهش:

۱. ساختار بصری نقوش جانوری منسوجات دوره ساسانی و ایلخانی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲. نقاط اشتراک و افتراق در تداوم نقوش جانوری منسوجات دوره ساسانی و ایلخانی کدام است؟

**کلیدواژه‌ها:** پارچه دوره ساسانی، پارچه دوره ایلخانی، نقش‌مایه جانوری، راپورت، مدالیون.

## مقدمه

مطالعه منسوجات کهن به‌عنوان یک کالای فرهنگی قابل انتقال از طریق مرزهای جغرافیایی و تداوم حیات آن در گذر زمان، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. شناخت صحیح منسوجات، نیازمند به بررسی این هنر صنعت از منظر تاریخ هنر، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، فن‌شناسی و ... است. فن ترسیم و تنظیم راپورت نیز که اصطلاحی در طراحی پارچه براساس دانش ریاضی است، ساختار بصری اصلی را در منسوجات شکل می‌دهد. راپورت، ارتباط تعدادی طرح در طول و عرض را که برای تکرار و تکثیر مناسب هستند، مشخص می‌کند. در این مرحله، طرح آنالیز شده و اطراف آن نقوش دیگر اضافه می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۵۳). طراحی پارچه، آنالیز فرم‌های اصلی و شیوه راپورت‌بندی در هر دوره متناسب با جریان‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی متفاوت است؛ چراکه نقوش متأثر از باورهای حاکم بر جامعه خواهند بود. طراحی منسوجات به‌ویژه در دوره ساسانی، علاوه بر دین رایج و هویت ایرانی، بازتاب‌دهنده نفوذ فرهنگ‌های مختلف، حیات مستمر سنت‌های گوناگون و گاه عناصر غیرمتجانس در تاریخ خود بوده است. در بررسی پارچه‌ها، نمی‌توان نقش مؤثر طراحی را در پیشرفت، گسترش و تداوم آن‌ها نادیده گرفت. بدیهی است سکه تفکر ایجاد ساختار اصلی منسوجات، ابتدا با طراحی پارچه، نوع نقوش و انتخاب نوع راپورت همراه بوده و به‌نوعی، هنر و محاسبات ریاضی مورد استفاده قرار می‌گرفته و در امتداد با باورها درآمیخته می‌شد. مجسمه‌ها، سکه‌ها، پارچه‌ها و اشیاء کوچکی همچون مهرها و بشقاب‌های نقره‌ای گزارشی قابل اعتماد در مورد دستاوردهای هنری ساسانیان در ایران، نسبت به آنچه که در مورد پیشینیان وجود دارد، ارائه می‌دهند (موری، ۱۳۵۷: ۵۸).

پارچه‌های ساسانی علاوه بر کاربردشان در تجارت، ارزش سیاسی بسیار زیادی نیز به‌عنوان هدایای سلطنتی داشت. پارچه‌هایی دارای نقوش متنوع که عموماً در فرم دایره‌ای شکل مدالیون‌ها محصور شده بودند. نمونه‌های بسیاری از این مدالیون‌ها در آثار هنری پس‌اساسانی، دوران اسلامی، آسیای مرکزی، چین، سوریه، مصر و هنر مسیحی اروپای غربی وجود دارند که نشان از محبوبیت آن‌ها در دوران گوناگون، بین این سرزمین‌ها بوده است (طاهری، ۱۳۹۴: ۴۰). بسیاری از این منسوجات دارای نقوش جانوری افسانه‌ای (شبیه به سمندر) بوده‌اند که به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین نقوش دوره ساسانی از آن یاد شده و عموماً درون حلقه‌های محصور شده با مروارید قرار دارند که بر روی منسوجات این دوره به وفور دیده می‌شوند (Schulz, ۲۰۱۶: ۹۴). تداوم فرمی و تنوع رنگ بر روی منسوجات دوره ساسانی وجود دارد، در شهر گور پیرامون برج مرکزی نقش چهار شاهزاده ساسانی را با لباس‌های اشرافی و رنگ‌های متنوع دیده می‌شود (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۳۶). در دوره اسلامی، ایلخانیان نیز تحت‌تأثیر هنر و فرهنگ ایران قرار گرفتند (غیبی، ۱۳۸۷: ۳۵۰) و از طریق منسوجات، با هنر چین روبه‌رو شدند. تداوم مذهب دوره ساسانی و انتقال آن به دوره اسلامی نیز سبب شد که زرتشتیان علی‌رغم فروپاشی نظام سیاسی ساسانی، بتوانند وحدت نظام فکری خود را به مدتی طولانی حفظ کنند و از طریق برتری که دستاوردهای علمی در اختیارشان قرار می‌داد، در نظام فکری تمدن اسلامی اثرگذار باشند. اقلیت‌های زرتشتی و نومسلمانی که پیش از این زرتشتی بودند، پرچم‌داران انتقال دانش و فرهنگ کهن به تمدن نوین اسلامی بودند (ضیائی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۵). این عوامل سبب شد که در کنار انواع دانش‌ها، تداوم فرهنگی فرم‌ها و نقوش نیز رخ دهد. علاوه بر خلاقیت در ابداع و ترسیم نقوش انسانی، جانوری، گیاهی و هندسی درون مدالیون‌های دوره ساسانی، تأثیر طراحی و ترسیم پارچه‌های ساسانی بر دوران گوناگون اسلامی نیز بسیار مورد توجه است، به‌گونه‌ای که پس از گذشت قرن‌ها در هنر پارچه‌بافی سده‌های میانه اسلامی، می‌توان بازتاب آن را مشاهده کرد.

نظر به اینکه، نقوش جانوری دوره ساسانی درون مدالیون‌ها و شیوه تکرار و انتشار آن‌ها در سطح پارچه، می‌تواند از نکات تأثیرگذار در دوره اسلامی و به‌ویژه دوره ایلخانی باشد، بنابراین کنکاش پیرامون جزئیات پارچه‌ها از منظری نوین ضروری به‌نظر می‌رسد تا بتوان پارچه‌های این دو دوره را از یکدیگر تفکیک کرد. شناخت ویژگی‌های تصویری منسوجات دارای نقوش جانوری در دوره ساسانی و دستیابی به تداوم پویا و در عین حال، دگرذیسی آن در دوره ایلخانی از اهداف این پژوهش است تا از طریق پاسخ به پرسش‌هایی همچون، نقوش جانوری در منسوجات دوره ایلخانی و ساسانی از نظر فرم، راپورت‌ها و مدالیون‌ها دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ بتوان به شباهت‌ها و تفاوت آن‌ها دست یافت و بازتاب و تأثیر هنر طراحی پارچه دوره ساسانی را در دوره ایلخانی مورد کنکاش قرار داد. بر این اساس، در این مقاله ابتدا نقوش جانوری و طراحی پارچه‌های ساسانی و ایلخانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت مطالعه تطبیقی نقوش جانوری براساس واحدهای طراحی پارچه در دو دوره تحلیل می‌شود.

جامعه آماری پژوهش شامل منسوجات دوره ساسانی و ایلخانی با نقش جانوری درون طرح پایه مدالیون است. نمونه‌های آماری را ۱۸ منسوج در دو گروه ساسانی و ایلخانی تشکیل می‌دهد که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. این پژوهش از منظر روش، تطبیقی-تحلیلی است. جهت تطبیق نمونه‌ها، طراحی پارچه، نقوش جانوری، نوع بازنمایی آن و واحدهای طراحی به‌کار رفته در پارچه‌های دوره ساسانی، به‌عنوان مرجع قیاس، استفاده خواهد شد. روش تجزیه و تحلیل نتایج به شیوه کیفی با رویکرد فرم‌گرایی است. گردآوری اطلاعات از طریق منابع و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. در پردازش داده‌ها، از منابع تاریخی-هنری و باستان‌شناسی برای درک ساختار فرمی طرح و نقش منسوجات سده‌های میانه اسلامی بهره گرفته شده است.

تاکنون مطالعات گسترده و پراکنده‌ای بر روی منسوجات دوره ساسانی و ایلخانی انجام شده است، لیکن هیچ منبع جامع و یکپارچه در ارتباط با اهداف پژوهش حاضر، همچون نوع طراحی پارچه، فرم راپورت‌ها و بازتاب نقوش جانوری دوره ساسانی بر دوره ایلخانی، یافت نشد. با این وجود، برخی پژوهش‌ها مورد توجه بیشتری هستند که در مطالعات نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. حسن (۱۳۷۷) در بخشی از کتاب «هنر ایران در روزگار اسلامی»، به ویژگی نساجی دوره مغول پرداخته است. وی، کاربرد رنگ‌های مات و ملایم، زیبایی و ظرافت، زیاده‌روی در تزئینات گیاهی، دقت و شکوه طرح را از ویژه پارچه‌های مغولی دانسته که زمینه‌ساز پارچه‌های دوران بعد همچون صفوی است. در زمینه منسوجات دوره ساسانی، طالب‌پور (۱۳۹۲) در کتاب «تاریخ نساجی و پوشاک در ایران»، سابقه درخشان صنعت بافندگی در ایران را یکی از عوامل توسعه این فن در سرلوحه برنامه دولت ساسانی قلمداد می‌کند.

همچنین Feltham (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با مضمون «شیرها، ابریشم‌ها و نقره‌ها» صرفاً به بررسی پارچه‌های ابریشمی دوره ساسانی پرداخته و حضور نمونه‌های مشابه بعد از اسلام را مورد تأیید قرار داده است. Compareti (۲۰۱۰)، بسیاری از نقوش دوره ساسانی از جمله بال‌های گشوده، ستاره، هلال و نوارهای آویخته به تاج‌ها را، نماد شکوه و اعتلای این حکومت دانسته و در نهایت بسیاری از این نقوش را مرتبط با آیین مزداییسم می‌داند که نمونه‌های مختلفی از آن‌ها را می‌توان در نقش برجسته‌های به‌جا مانده از دوره ساسانی دید. قلیخانی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی و انعکاس نقوش سمبولیک و ایدئولوژی‌ها در نقش برجسته‌های دوره ساسانی پرداخته و آن‌ها را، نه فقط رویدادهای تاریخی، عظمت شاهنشاه و آیین‌ها مجسم می‌کند، بلکه سیاست و ایدئولوژی آن‌ها نیز به شیوه سمبولیک توضیح می‌دهد. صادقی‌پور فیروزآباد (۱۳۹۵)، در مقاله «تحلیل و بازشناسی نمادگرایانه نقوش مشترک منسوجات ساسانی و آل‌بویه»، پس از معرفی نقوش و عناصر تزئینی مشترک در منسوجات دوره ساسانی و آل‌بویه، نقوش مشترک این دو

دوره را از منظر نمادشناسی بررسی کرده است. Compareti (۲۰۱۸)، اصالت‌سنجی پارچه‌های تزئینی ایران باستان را براساس شواهد باستان‌شناسی و نمونه‌های ارائه شده در مجموعه‌های خصوصی بررسی کرده است. کامپرتی (۲۰۲۰)، همچنین بر مبنای تحقیقات اخیر توسط باستان‌شناسان و مورخان هنر، عقیده دارد که گرچه الگوی تزئینی آثار ایران در دوره ساسانی، به احتمال زیاد تولیدات آسیای مرکزی (زیرمجموعه پهنه جغرافیایی ساسانی) است. با این وجود، برخی موجودات ترکیبی ویژه ایرانی، مانند سیمرغ ساسانی، از قرن ۷ میلادی در اوراسیا بسیار محبوب شده‌اند. حضور نقوش دیگر ایرانی، مانند سر گراز وحشی، اسب بالدار و پرندگانی با حلقه دارای تزئینات حاشیه‌ای مروارید در منقار یا دور گردن، در نقش‌برجسته‌ها یا آثار تجملی (منسوجات، فلز، شیشه و...) می‌تواند به‌عنوان یک ابزار معتبر برای گاه‌شماری بهتر آثار باستانی مشترک یافت‌شده در منطقه‌ای بسیار وسیع از چند تمدن مرتبط همچون ایران، قفقاز، آسیای مرکزی و فلات تبت نیز باشد.

صابری و مافی‌تبار (۱۳۹۹) نمادینگی نقش ماکیان (خروس، مرغابی، طاووس) در منسوجات ساسانی را از منظر آیکونولوژی اروپین پانوفسکی بررسی کرده‌اند. نتایج، نشان می‌دهد که در بحث تفسیر ارزش‌های مبتنی بر نماد می‌توان هر سه نقش‌مایه را با مفاهیم فره ایزدی، اقبال و خوش‌یمنی و نیک‌بختی سلطنتی، در ارتباط دانست که پایداری و فزونی آن را برای دارنده منسوج، تمنا می‌کنند. در پژوهش‌های پیشین، معرفی و نمادشناسی نقوش، زمینه‌ساز بودن طرح و نقش منسوجات دوره ساسانی در تمدن‌های دیگر و نحوه تأثیرگذاری آن در ادوار مختلف موردنظر بوده ولی مدالیون‌ها، طراحی پارچه‌ها با نقش جانوری دوره ساسانی و چگونگی بازتاب و یا تداوم احتمالی آن در منسوجات دوره ایلخانی که به‌طور ویژه در پژوهش حاضر موردتوجه قرار می‌گیرد، کم‌تر بررسی شده است.

## نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در حقیقت نساجان دوره ایلخانی آثاری را خلق کرده‌اند که از لحاظ فرم‌های تزئینی با نقوش منسوجات ساسانی (به‌عنوان معیار سنجش) تطابق فرمی دارند. برخی از منسوجات در نقش، محتوا و حتی در سبک هم با نمونه‌های ساسانی دارای اشتراکاتی هستند. این شباهت‌ها نشان می‌دهد که، عوامل مختلفی در شکل‌گیری ارتباط بصری در بین نقوش این دو دوره وجود دارد که یکی از این موارد ارتباط فرهنگی-تجاری با شرق دور، در هر دو دوره است. استفاده از نقوش جانوری مشترک در دو دوره با این تفاوت که نمونه‌های دوره ساسانی به فرم‌های انتزاعی و نمونه‌های دوره ایلخانی به فرم‌های طبیعی خود نزدیک‌تر هستند. احتمالاً گراز، سیمرغ، خروس و اسب دارای بار آیینی نیز بوده‌اند. در صورتی که پارچه‌های دوره ایلخانی نزدیک به فرم‌های طبیعی جانوران هستند و نقوشی همچون گریفین و عقاب دوسر، شیر بالدار به نمونه‌های موردتوجه این دوره اضافه اضافه شده و مانند نمونه‌های پیشین خود علاوه بر دارابودن ساختار نقوش تزئینی دارای بار آیینی در محتوای درونی خود هستند. نکته قابل تأمل آن است که نقش گراز را می‌توان به‌عنوان یکی از نقوش شاخص بر بستر منسوجات دوره ساسانی دانست، زیرا نمونه‌های مشابه آن در دوره‌های بعدی به‌ندرت دیده می‌شود. همچنین نقش عقاب‌های دوسر نیز به‌صورت متوالی از ادوار گذشته جای خود را در بین منسوجات حفظ کرده و در دوره ایلخانی، به‌عنوان یکی از متداول‌ترین نقوش در گستره جغرافیای ایران می‌شود.

علاوه بر این، مدالیون‌های دوره‌ی ساسانی با فرم دایره و بیشتر به صورت تک نقش دیده می‌شود اما همین نوع از نقوش در دوره‌ی ایلخانی به صورت دو حیوان جفت و قرینه داخل مدالیون‌های متنوع در زمینه شلوغ مملو از نقوش گیاهی قرار می‌گیرد. همچنین دایره‌ی رنگ‌گزینی در دوره‌ی ساسانی به مراتب متنوع‌تر از دوره‌ی ایلخانی است و عموماً از رنگ به‌عنوان یک تدبیر فنی برای نقش‌پردازی و آنالیز تصویری بهره گرفته شده است. تزئینات بیشتر، ترکیب‌بندی‌های پیچیده‌تر، تنوع فرم‌ها، استفاده از چند نوع از نقوش جانوری و کتیبه‌ای در کنار یکدیگر و غلبه تدابیر فنی در بافت نسبت به تنوع رنگ، در پارچه‌های ایلخانی حکایت از رشد، پیشرفت دانش، هنر و صنعت در طراحی‌پارچه این دوره دارد که طی چندین قرن رخ داده است. به‌طور کلی، تفکر و ایده‌ی طراحی منسوجات بر بستر فرهنگ‌های متمدنی در هر دوره، پایه‌گذار طراحی پارچه‌های دوره‌های بعدی بوده است. آیین‌های رایج، باورها و ارتباط تجاری-فرهنگی با دیگر سرزمین‌ها، زمینه‌ساز منسوجات دوره‌ی ساسانی بوده و چون جوامع به صورت پویا با دوره‌های پس از خود نیز مرتبط هستند؛ بنابراین بنیان‌های فکری آینده را شکل می‌دهند. در حقیقت، تداوم فرهنگ ایران کهن پس از اسلام و بازتاب تحولات اجتماعی، پیشرفت فنون و همچنین زمینه‌های فرهنگی و مذهبی حاکم بر جامعه ایلخانی سبب شد تا همگام با تغییرات بر بستر تاریخ، بسیاری از این مصنوعات تطابق فرمی و معنایی با نمونه‌های مشابه خود در گذشته‌های دور همچون دوره ساسانی را حفظ کنند. به‌گونه‌ای که گاه با دقیق‌ترین مشاهدات هم نمی‌توان منسوجات دوره ساسانی را از دیگر میادین باستانی و حتی دوره اسلامی تشخیص داد. با این وجود، زمینه‌های خلوت با نقوش گیاهی، هندسی و جانوری پراکنده، مدالیون‌ها با فرم‌های غالب دایره‌ای و حاشیه نیم‌دایره یا هندسی در اطراف مدالیون، نقوش جانوری پر کار و غالباً منفرد درون مدالیون، از ویژگی‌های منسوجات دوره ساسانی و زمینه‌های شلوغ و پرشده با نقوش گیاهی، مدالیون‌ها با فرم‌های متنوع و متراکم، نقوش جانوری تک‌رنگ یا بدون جزئیات به صورت جفت و قرینه که گاهی نقوش کتیبه‌ای به آن‌ها اضافه می‌شود و در هویت‌بخشی منسوج و تعلق آن به طرح و نقش منسوجات دوره ایلخانی کمک‌کننده است.

### منابع و مأخذ:

- آلتهایم، فرانس. (۱۳۹۳). ساسانیان و هون‌ها. ترجمه: هوشنگ صادقی. تهران: فرزانه.
- بلر، شیلا و ام‌بلوم، جانانان. (۱۳۹۱). هنر و معماری اسلامی. چاپ سوم. ترجمه اردشیر اشراقی. تهران: سروش.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۶). آثارالباقیه. ترجمه: اکبر داناسرشت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پوپ، آرتور؛ آکرمن، فیلیس. (۱۳۹۴). سیری در هنر ایران جلد دوم (هنر ساسانی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور؛ آکرمن، فیلیس. (۱۳۹۴). سیری در هنر ایران جلد یازدهم (تصاویر پارچه بافی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- چیت‌ساز، محمدرضا. (۱۳۸۷). تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول. تهران: سمت.
- حسن، زکی محمد. (۱۳۷۷). هنر ایران در روزگار اسلامی. ترجمه: محمدابراهیم اقلیدی. تهران: صدای معاصر.
- حسینی، سیده زینب. (۱۳۹۷). دانشنامه طراحی و چاپ پارچه. تهران: جمال هنر.

خسروی، ابوزر. (۱۳۹۹). «شناخت ویژگی‌های هنر و تمدن ایرانی در شهر گور ساسانی (۲۲۴م-۱۳۰م)». مطالعات هنر اسلامی، ۱۷(۴۰)، ۱۲۶-۱۴۲.

سید احمدی زاویه، سید سعید، گلستان، مهران. (۱۳۹۷). «عصر سلجوقی بستر بازتولید نظام و ساختار ساسانی مطالعه موردی: بازخوانی بهره‌گیری سلاجقه از نظام ساختاری معماری ساسانی». مطالعات هنر اسلامی، ۱۴(۳۱)، ۸۱-۱۱۴. سیمز، الینور. (۱۳۹۱). دانشنامه ایرانیکا. جلد ۱. ۱۷۷-۱۸۷.

صابری، نسترن، مافی تبار، آمنه. (۱۳۹۹). «نمادشناسی نقوش جانوری در پارچه‌های مدالیونی عصر ساسانی (مورد مطالعاتی: قوچ، گراز، شیر، گوزن و فیل)». نشریه پژوهش هنر، شماره (۱۹)، ۴۹-۲۱.

صابری، نسترن؛ مافی تبار، آمنه. (۱۳۹۹). «نمادینگی نقش ماکیان در منسوجات ساسانی از منظر آیکونولوژی اروین پانوفسکی (مطالعه موردی: خروس، مرغابی، طاووس)». نشریه رهپویه هنر/ هنرهای تجسمی دوره جدید شماره (۶)، ۵-۱۳.

----- (۱۳۹۴). سیری در هنر ایران جلد پنجم (نقاشی، کتاب‌آرایی و پارچه‌بافی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

صادقپور فیروزآباد، ابوالفضل. (۱۳۹۶). «تحلیل و بازنشاسی نمادگراییانه نقوش مشترک منسوجات ساسانی و آل‌بویه». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۲(۲)، ۱۰۳-۱۱۶.

ضیائی، الهه؛ دلبری، شهربانو؛ اسدبیگی، اردشیر و رئیس‌السادات، سید حسین. (۱۳۹۹). «تأثیر خدمات فرهنگی- مذهبی زرتشتیان بر گسترش تحولات تمدن ایرانی-اسلامی». مطالعات هنر اسلامی ۱۶(۳۷)، ۱۵۴-۱۶۹.

طالب‌پور، فریده. (۱۳۹۲). تاریخ پارچه و نساجی در ایران. تهران: مرکب سپید. قلیخانی، زهرا؛ سخا، جواد؛ شعبانی، رضا و فروزش، سینا. (۱۳۹۹). «سیاست‌های مذهبی پادشاهان ساسانی و انعکاس آن بر سنگ‌برجسته‌های تخت‌جمشید». نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۷)، ۲۴۴-۲۲۸.

طاهری، علیرضا. (۱۳۹۴). «بررسی سیر تحول مدالیون بافته‌های ساسانی و تأثیر آن‌ها بر نمونه‌های هنر اسلامی و مسیحی». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۰(۱)، ۳۹-۴۸.

غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۷). هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: هیرمند.

موری، پی. آر. اس. (۱۳۵۷). ایران باستان. ترجمه: شهرام جلیلیان. تهران: انتشارات فرهنگی فروهر.

ویلسن، کریستی. ج. (۱۳۶۶). تاریخ صنایع ایران. ترجمه: عبدالله فریار، تهران: فرهنگسرا.

The Spread Wings Motif on Armenian Steles: Its Meaning "Compareti, M. (۲۰۱۰). . Iran & the Caucasus, ۱۴(۲), ۲۰۱-۲۳۲. Retrieved "and Parallels in Sasanian Art September ۳, ۲۰۲۱, from <http://www.jstor.org/stable/۴۱۴۳۰۸۶۴>

: New Evidence from "Ancient Iranian Decorative Textiles" Compareti, M. (۲۰۱۸) Archaeological Investigations and Private Collections, Abstracta Iranica, Volume ۳۷-۳۸-۳۹, document ۷.

Iranian Composite Creatures between the Caucasus and "Compareti, M. (۲۰۲۰).  
, Iran and the Caucasus ۲۴(۲): "Western China: The Case of the So-Called Simurgh  
۱۱۵-۱۳۸, DOI: ۱۰,۱۱۶۳/۱۵۷۳۳۸۴X-۲۰۲۰۰۲۰۲

Role of Nature in Creation of Iranian "Dadvar, Abolghasem, Rouzbahani, R. (۲۰۱۶)  
, Asian Social Science; Vol. ۱۲(۶): ۱۲۳-۱۳۱ DOI:۱۰,۵۵۳۹/ass.v۱۲n۶p۱۲۳."Myths  
Lions, Silks and Silver: The Influence of Sasanian "Feltham, Heleanor B. (۲۰۱۰).  
, Sino-Platonic Papers, No ۲۰۶. "Persia  
, University "Justinian and the International Silk Trade" Heleanor B. Feltham. (۲۰۰۹).  
of New south Wales, Sino\_platonic Papers, No ۱۹۴, Pp ۱-۴۰.

Infiltrating Artifacts: The Impact of Islamic Art in "Schulz, Vera-S. (۲۰۱۸).  
, Konsthistorisk "Fourteenth- and Fifteenth-Century Florence and Pisa  
tidskrift/Journal of Art History, ۸۷:۴, ۲۱۴-۲۳۳, DOI:  
۱۰,۱۰۸۰/۰۰۲۳۳۶۰۹,۲۰۱۸,۱۵۲۶۲۱۱

: Textile Arts and Aesthetics in and "Crossroads of Cloth" Schulz.Vera-S. (۲۰۱۶).  
beyond the Medieval Islamic World. Aux Carrefours des étoffes: les ARTS et  
l'esthétique textiles DANS le monde Islamique Médiéval et AU-DELÀ. ISBN: ۹۷۸-  
۲-۹۱۷۹۰۲-۳۱-۸. ISSN: ۱۷۷۷-۷۸۵۲

The Costume of Foreign Embassies and Inhabitants of "Yatsenko, Sergey A. (۲۰۰۴).  
Samarkand on Wall Painting of the ۷th c. in the "Hall of Ambassadors" from Afrasiab  
–Transoxiana ۸, Journal de Estudios Orientales, "as a Historical Source  
[http://www.transoxiana.com.ar/۰۱۰۸/yatsenko-afrasiab\\_costume.html](http://www.transoxiana.com.ar/۰۱۰۸/yatsenko-afrasiab_costume.html).